

# بررسی جامعه‌شناختی الگوهای تفکر مدرن (نوگرایی) زنان

نویسنده: زهرا روزی بیدگلی

Sociology of modern patterns of thinking of women in Iran

**چکیده:** تحولات سریع تکنولوژیک و به تبع آن تغییرات فرهنگی دو سده اخیر جهان توسعه یافته و تأثیر آن بر جوامع دیگر از جمله جامعه ایران اذهان بسیاری را متوجه خود ساخته است. هدف از این پژوهش سنجش میزان نوگرایی و بررسی عوامل مؤثر بر آن است. بررسی نظریه‌های مکتب نوسازی حوزه توسعه مؤید این امر است که برخی شرایط مانند میزان شهرنشینی، صنعتی شدن، آموزش عمومی و سطح تحصیلات، ارتباطات، مشارکت اجتماعی، چگونگی اجتماعی شدن، پایگاه اجتماعی- اقتصادی فرد و ... رشد نوگرایی را در جوامع تسریع می‌کند. فرد نوگرا نیز دارای ویژگی‌هایی مانند علم‌گرایی، پذیرش تجربیات جدید، پیشرفت‌گرایی، نگرش‌های مدنی، جهانی و دموکراتیک، تساوی‌طلبی، استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری و ... است.

روش پژوهش اسنادی و پیمایشی است و جامعه آماری زنان دبیر شهر تهران می‌باشند 7/67. درصد زنان دبیر مورد مطالعه دارای نوگرایی با میزان بالا و 6/4 درصد در حد بسیار هستند و دو عامل طول مدت تحصیل و پایگاه اجتماعی با میزان نوگرایی رابطه معنادار دارد.

واژه‌های کلیدی آموختن، تجدد، تحولات فرهنگی، تفکر نوین، زنان، معلمان

مقدمه

در جامعه ایران واژه‌های پیشرفت، رشد، توسعه، نوگرایی، تجدد، نوسازی، مدرن بودن، فکر نو داشتن و... سال‌هاست بین اندیشمندان و روشنفکران رشته‌های مختلف به صورت تحلیلی یا مکتبی مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفته است. وجه اشتراک این مباحث و گفت‌وگوها در نگاهی به گذشته، چگونه بوده‌ایم، در نگاهی به حال، چگونه هستیم و در نگاهی به آینده چگونه باید باشیم، است. در نگاه به شرایط جدید طیفی از تقابل بین آنچه در گذشته بوده (سنت) و آنچه نو (مدرن) است، دیده می‌شود. تورن ۲ کشور ایران را جامعه‌ای می‌داند که مدت زیادی است که در فرایند نوسازی قرار دارد. به نظر وی ایران دیگر جامعه‌ای صرفاً مذهبی نیست. یکی از مؤلفه‌های نوسازی وضعیت زنان است که در ایران به سرعت در حال دگرگونی است (تورن، ۱۳۸۲: ۴۷).

اینکلس ۳ و اسمیت ۴ نوسازی را نوعی فرایند اجتماعی- روانی می‌دانند که طی آن افراد نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید مدرن را کسب می‌کنند (ازکیا، ۱۳۷۷: ۲۴). به نظر اینکلس خصوصیت برجسته انسان نو دو جنبه دارد: یکی درونی که به وجهه نظرها، ارزش‌ها و احساسات او و دیگری به محیط وی بازمی‌گردد (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۱۰).

گام نهادن در راه نوسازی زمانی موفق خواهد بود که نگرش‌ها و ارزش‌های متناسب با احراز فرایند توسعه تحول یافته باشد و همه، اعم از زنان و مردان، فرصت تجربه این فرایند را داشته باشند. به نظر گیدنز در جوامع جدید، زنان فرصت آن را دارند در طیف وسیعی از زمینه‌های گوناگون، شانسی خود را بیازمایند. از آنجایی که زنان باید هویت قبل و تثبیت یافته خود را به میزانی بیش از مردان از دست بدهند دوران تجدد را به طرزی کامل‌تر ولی تناقض‌آمیزتر تجربه می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۵۴).

با وجودی که داشتن تفکر مناسب با زمان، دارای مرز جنسیتی نیست باید توجه داشته باشیم، وجود آن در بین زنان یک جامعه به ویژه اگر در موقعیت انتقال آموزش و تربیت رسمی یک

جامعه باشند اهميتي بارز دارد چرا که:

- زنان نيمي از جمعيت جامعه را تشكيل مي‌دهند؛

- زنان مربي و تربيت‌کننده هر دو نيمه جمعيت هستند؛

- زنان فعال در حوزه فرهنگي عهده‌دار تربيت رسمي مربيان نسل‌هاي آينده که خود نيمي از جامعه و تداوم‌بخش نسل‌هاي بعدي خواهند بود هستند.

- زنان فعال در حوزه فرهنگي بيش از نيمي از شاغلين آموزش و پرورش را نيز تشكيل مي‌دهند. نوع تفکر و نگرش و ميزان توانايي آنان در پرورش نسلي که به آنها سپرده شده است، تأثير به‌سزايي دارد .

با توجه به اهميت موضوع، هدف پژوهش حاضر عبارت است از :

- 1) جامعه ما در فرايند نوسازي چه مرحلتي را پشت سر گذارده است؟
- 2) به لحاظ نظري يك جامعه مدرن و افراد داراي تفکر مدرن داراي چه ويژگي‌هاي هستند و کدام عوامل در ميزان و چگونگي تفکر مدرن در جامعه مؤثر است؟
- 3) زنان فعال در حوزه فرهنگي (دبيران شهر تهران) داراي چه ميزان تفکر مدرن مي‌باشند و علل و عوامل مؤثر بر اين ميزان کدام است؟

### پيشينه تاريخي نوسازي در ايران

مطالعات تاريخي نشان مي‌دهد جامعه ايران دير زماني است که با مدرنيته و نوسازي روبه رو شده است و اين رويارويي اگرچه در ابتدا بسيار کند بوده اما همواره به شکل ديالکتیکی بين سنت و تجدد در جامعه، جريان داشته است. با مروري مختصر، عوامل مؤثر بر نوسازي در چهار دوره تاريخي قاجار، پهلوي اول، پهلوي دوم و جمهوري اسلامي در ايران سعي مي‌شود که ويژگي‌هاي اين دوران در رابطه با نوسازي جامعه مشخص شود. تشكيل دولت متمرکز قاجار در سال ۱۱۶۵ هجري شمسي (۱۷۸۹ م.) با دوره‌اي که انقلاب صنعتي در انگلستان آغاز شده بود و انقلاب سال ۱۷۸۹ فرانسه به وقوع پيوسته بود مصادف بود. در همين زمان بود که مبادلة فرهنگي در سطوح خواص ميان ايران و اروپا به تدريج افزايش يافت (کاظمي، ۱۳۷۶: ۲۴). ارتباط با غرب در آن زمان يعني ارتباط با فرهنگ مادي و غيرمادي جديدي که به‌زودي جامعه را متأثر مي‌سازد. در دوره قاجار ديده‌گاه‌هاي سنتي و استبدادي بر جامعه حاکم بوده است، با اين حال برآيند تغييرات و تحولات اين دوره، شرايطي است که مولود نگرش‌هاي نو مي‌باشد، که تأثير آن را در خواست‌هاي روشنفکران آن دوره به وضوح ديده مي‌شود. حکومت قانون، قانون اساسي، ضرورت ايجاد مجلس، آزادي بيان و عقيدة، آزادي مطبوعات، ضرورت آموزش به شيوه‌هاي جديد، اصلاحات اداري و... از خواست‌هاي روشنفکران در اين دوره بود. بروز چنين خواست‌هاي خود نشان‌دهنده ميزاني از کشش جامعه به سوي نوسازي و نوگرابي است. با اين حال، جامعه داراي ضعف‌هايي در عوامل پيشبرنده توسعه مانند شهرنشيني، صنعت، ميزان باسوادي، وسايل ارتباطي، نهادها و سازمان‌هاي جديد و... مي‌باشد .

مؤلفه‌هاي مؤثر بر نوسازي و ايجاد شخصيت مدرن در دوره پهلوي اول نسبت به دوره قاجار از رشد قابل توجهي برخوردار است. در مجموع رشد جمعيت، رشد ميزان شهرنشيني، رشد رسانه‌هاي اطلاعاتي، ايجاد سازمان‌هاي مختلف کشوري و اداري، ايجاد مراکز آموزشي در مقاطع و سطوح‌هاي مختلف، ايجاد دانشگاه‌ها (دانشکده علوم، دانشکده کشاورزي، دانشکده ادبيات،

دانشکده حقوق، مدرسه طب، دارالمعلمین و مرکز تربیت معلمین تهران)، راه آهن، بانک، نظام اداری جدید، ایجاد مقدار زیادی راه‌های شوسه، رشد تعداد وسایل نقلیه، رشد مجلات و هفته‌نامه‌ها، سینما، ایجاد کارخانجات و صنایع جدید، ارتباط بیشتر با جوامع غربی و... از جمله فعالیت‌هایی است که اگرچه برخی از قبل آغاز شده بوده، اما در این دوره رشد و گسترش کمی و کیفی می‌یابد (افضلی، ۳۷۶ : ۷۹-۷۲). در سال تحصیلی ۱۳۱۳-۱۳۱۴ قریب ۴۲۶۰۰ دختر در دبستان‌ها و ۲ هزار دختر در دبیرستان‌های ایران مشغول به تحصیل هستند. گذشته از دانشکده مامایی و دانشسراهای دخترانه و هنرستان نسوان و... در شهریور ۱۳۱۵ بانوان به دانشکده طب نیز راه یافتند. بسیاری نیز به خرج دولت و یا اقوامشان برای تحصیل راهی کشورهای غربی شدند (راز، بی‌تا: ۶۶۳). بر این اساس می‌توان گفت که زنان در این دوره از آزادی عمل بیشتری نسبت به گذشته برخوردار شدند.

در دوره پهلوی دوم شاهد رشد شاخص‌های توسعه مانند میزان شهرنشینی، میزان باسوادی، رشد وسایل ارتباطی و ارتباط جمعی، رشد تحصیل‌کردگان دانشگاهی و... هستیم. رشد شهرنشینی در فاصله سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۵ از ۳۱ درصد به ۳/۴۷ ارتقا می‌یابد. سوادآموزی در فاصله سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۵ به سه برابر افزایش یافت و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها از ۱۷۲۵۰ نفر در سال ۱۳۲۵-۱۳۴۹ به حدود ۴۵ هزار نفر در سال تحصیلی ۱۳۵۶-۱۳۵۵ رسید (رزاقی، ۱۳۶۷: ۵۲۷). طی سال‌های پایانی پهلوی دوم (۱۳۵۲-۱۳۵۶) جلب خدمات زنان در مشاغل آموزشی مورد توجه قرار گرفت به طوری که تعداد کارکنان زن در آموزش و پرورش در پایان این دوره به دو برابر ابتدای برنامه رسید و در مجموع ۴/۶ درصد مشاغل آموزش و پرورش به زنان اختصاص یافت (صابر، ۳۷۴ : ۱۵۳). (بین سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۴۵، درصد گیرنده‌های تلویزیون از ۳/۸ درصد به ۶۹ درصد و تعداد مسافران سالیانه به خارج از کشور از حدود ۱۰۰ هزار نفر به نزدیک ۵۵۰ هزار نفر رسید) رفیع پور، ۱۳۷۷: ۷۲).

می‌توان گفت حکومت پهلوی به یک حساب و در گونه‌شناسی دولت‌ها، دولتی غرب‌گرا و مدرن بود که حاکمیت رسمی تحولات و فرایندهایی را طی چند دهه نمایندگی می‌کرد. این تحولات را می‌توان با نام «رشد با الگوی مدرنیته غربی» دانست. در دهه اول تا پنجاه و به ویژه دو دهه پایانی، ایران در عرصه نهادهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی روندی از پیشرفت و نوسازی را طی کرد که حتی موجب خروج کشور از موقعیت کاملاً حاشیه‌ای شد (فراستخواه، ۱۳۷۹: ۸). در این دوره زنان حضور و مشارکت اجتماعی بیشتری در بخش‌های گوناگون دارند. گسترش پرستارگری، عرضه و تقاضای علم، تکنولوژی و آموزش عالی فرایندهای رشد و توسعه‌ای هستند که بر جامعه سخت تأثیر گذاشته‌اند و حوزه اجتماعی حضور زنان و مردان را وسعت می‌دهند. وسعت تحولات (جمعیت، شهرنشینی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، گسترش سازمان‌های مدرن و...) در بعد زمان و مکان تا حدی خارج از تحمل فرهنگی جامعه و در تضاد با ارزش‌های سنتی می‌باشد.

بنو عزیزی که انقلاب ایران را بررسی کرده است بر این اعتقاد است که ایران در دهه ۱۹۷۰ تجربه یک نوسازی گسترده مشتمل بر صنایع بزرگ، رشد شهرنشینی، گسترش آموزش‌های رسمی و رشد وسایل ارتباط جمعی را پشت سر گذارده است (سو، ۱۳۸۰: ۹۷).

بعد از پیروزی انقلاب، به عنوان یک پدیده اجتماعی در هم شکننده ساختارهای اجتماعی، پیامدهای جنگ، وضعیت اقتصادی ناشی از شرایط جهانی و منطقه‌ای، تحریم‌ها، رشد فزاینده جمعیت ۳/۹ درصد در دهه شصت)، افزایش بی‌رویه شهرنشینی، فرهنگ با تقابل ارزشی به وجود آمده به نفع سنت کنار آمد. نقش‌های اجتماعی به ویژه نقش زنان تعریفی تازه به خود گرفت و مشارکت اجتماعی در حوزه‌های مختلف، تحت تأثیر پیامدهای انقلاب، جنگ، تغییر ارزش‌ها و... قرار گرفت.

پس از تجربه یک دهه تحولات سیاسی و فرهنگی این دوره، تعریف مجددی از نقش اجتماعی زنان و توانایی‌های آنان به عمل آمد. در این دوره شاهد افزایش مشارکت و حضور زنان در

عرصه‌های اجتماعی هستیم. فزونی سهم زنان در آموزش متوسطه و آموزش عالی را شاهد هستیم (فراستخواه، ۱۳۷۹: ۹۷). از جمله تحولات مثبت نهادی در دهه دوم جمهوری اسلامی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: رشد شاخص‌های توسعه‌ای از قبیل امید به زندگی (از 6/61 سال در ۱۳۶۷ به ۷۰/۶ در سال ۱۳۷۶ رسید)، رشد میزان باسوادی به ویژه برای زنان (از ۴۶/۳ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۶۷ درصد در سال ۱۳۷۶ رسید)، رشد کتابخانه‌های عمومی (از ۴۸۶ واحد در ۱۳۶۷ به ۱۱۴۷ واحد در ۱۳۷۶). (فراستخواه، ۱۳۷۹: ۲۹)

عدم توازن رشد شاخص‌ها در سطح ملی، بی‌رویه بودن نرخ رشد شهرنشینی تا حد بالای ۶۰ درصد، تداوم سهم اندک نرخ فعالیت اقتصادی زنان (۱۴/۳ درصد)، عدم توازن برخورداری استان‌ها از محصول نهایی رشد، نهادی نشدن ثبات در سیاست‌گذاری و اجرا و عدم تحقق پیش‌بینی‌های برنامه‌ای، عدم درک نهادین تحولات ساختار جمعیتی، فرهنگی و سیاسی و مشارکت‌جویی‌های آن، عدم توجه نهادین و موزون به مقتضیات توسعه تدریجی و قانون‌مندی سیاسی و فرهنگی پا به پای توسعه اقتصادی-اجتماعی را در این دوره می‌توان از جمله تحولات منفی دانست. (فراستخواه، ۱۳۷۹: ۲۹)

جامعه ایران در فرایند نوسازی از دوران قاجار (۱۵۰ سال اخیر) تاکنون فراز و نشیب‌هایی را تجربه کرده است که در برخی مؤلفه‌های اساسی نوسازی مانند آموزش موفقیت‌های چشمگیری کسب کرده است ولی در برخی مؤلفه‌های دیگر مانند فعالیت اقتصادی زنان در بازار کار رشد نداشته است. در حقیقت جامعه ایران شاهد عدم توازن در رشد شاخص‌های نوسازی در این دوران بوده است.

#### چارچوب نظری

بحث در مورد توسعه‌یافتگی جوامع به صورت فراگیر از دهه پنجاه میلادی آغاز و مبنای پیدایش نظریه‌های توسعه از جمله نوسازی توسعه گردید. مکتب نوسازی توسعه را می‌توان محصول سه رویداد تاریخی مهم پس از جنگ جهانی دوم دانست. ظهور ایالات متحده در حکم یک ابرقدرت، در حالی که جنگ جهانی موجب تضعیف سایر کشورهای غربی (بریتانیای کبیر، فرانسه و آلمان) شده بود. گسترش جهانی کمونیسم که نفوذ خود را از شوروی نه تنها در اروپای شرقی بلکه حتی در چین و کره در آسیا گسترش داده بود. تجزیه امپراطوری‌های استعماری اروپا در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین که موجب ظهور شمار بسیاری از کشور-ملت‌های جدید در جهان سوم گردید (سو، ۱۳۸۰: ۲۹).

اندیشمندان در این دوره بر پایه اندیشه جامعه‌شناسان کلاسیک نظریه‌های نوسازی را مطرح کردند. دیدگاه نوسازی را می‌توان در قالب سه حوزه نظری (اجتماعی، روانی و اقتصادی) مطرح کرد (ازکیا، ۱۳۷۷: ۹۴). برخی نظریه‌پردازان نوسازی را نیز برحسب وجوه تفاوت آن، به دو دیدگاه نظریه‌های نوسازی اولیه و نظریه‌های نوسازی جدید دسته‌بندی می‌کنند. به طور کلی می‌توان مهمترین ویژگی‌های تفکر این اندیشمندان را چنین ارائه کرد که:

کانون توجه مکتب نوسازی اولیه توسعه جهان سوم است. سطح تحلیل آن‌ها کشوری و ملی است و متغیرهای عمده مورد بررسی آن‌ها عوامل درونی مانند ارزش‌های فرهنگی و نهادی اجتماعی است. مقتضیات سیاسی اجرای برنامه‌های نوسازی را به عنوان یک عمل کاملاً مفید برای جوامع مطرح می‌کند. این اصول بعدها در مکتب نوسازی جدید هم کماکان باقی می‌ماند. اما در زمینه سنت‌ها مکتب نوسازی اولیه، سنت را در مقام مانع توسعه و مسیر توسعه را مسیری یکطرفه به سمت الگوی غربی می‌شناسد. در حالی که مکتب نوسازی جدید به سنت در مقام عاملی که می‌تواند نقشی مثبت در توسعه داشته باشد، می‌نگرد. مکتب نوسازی جدید به مسیرهای متعدد و چندسویه برای توسعه معتقد است. عوامل بیرونی و تأثیر آن بر نوسازی از دیگر عواملی بود که در مکتب نوسازی اولیه تا حدی مورد غفلت قرار گرفت و مکتب نوسازی جدید این عوامل را نیز مورد توجه قرار داده است (سو، ۱۳۸۰: ۷۹-۸۱).

در این پژوهش از اندیشمندان مکتب نوسازی به بررسی آرا اینکلس، لرنر، اورت هیگن، هوزلیتز، ایزنشتاد، شارما، وانگ، دیویس، بنو عزیز، و گیدنز پرداخته می شود. برآیند نظرات مطرح شده نشان می دهد برخی شرایط و عوامل مستقیم یا غیرمستقیم پیشبرنده یک جامعه به سوی نوسازی است. برای مثال شهر و شیوه زندگی در شهر و امکاناتی که از طریق این نوع زیستن- به فرد امکان نوگرا بودن را می دهد- در مجموعه آرا از اهمیت خاصی برخوردار است. به نظر هوزلیتز، شهرها در جایگاه مکان هسته ای و اصلی در کشورهای در حال توسعه در آنچه انطباق با شیوه های جدید، تکنولوژی جدید، فرض های جدید، الگوهای تولید و نهادهای اجتماعی جدید است، موفق تر هستند (اینکلس، (218: 1976 اینکلس و اسمیت نیز بر این عقیده اند که شهر می تواند تأثیر قوی بر بروز یک فرد نوگرا داشته باشد. همچنین پژوهش های انجام شده توسط اینکلس و اسمیت نشان می دهد، منشأ شهری داشتن (متولد شهر) و تعداد سالهایی که فرد در شهر زندگی می کند و در معرض زندگی شهری است ارتباط قوی با امتیاز نوگرایی افراد دارد (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۱۲). لازم به ذکر است تجربه شهرنشینی به خودی خود تأثیر مستقیم کمی بر کل شاخص نوگرایی دارد اما تجربه شهرنشینی تأثیرات غیر مستقیم قوی بر ویژگی های نوگرایی دارد. تأثیرات غیرمستقیم را اینکلس و اسمیت تأثیرات به واسطه ارتباطات با متغیرهای دیگر مانند وسایل ارتباطی، آموزش رسمی، تجربه کاری و مانند آن معنی می کنند (اینکلس، ۱۹۷۶: ۲۲۷).

در زمینه تأثیر وسایل ارتباط جمعی، پژوهش اینکلس و اسمیت مطالعات لرنر را که در کتاب گذار از جامعه سنتی به نقش مرکزی وسایل ارتباط جمعی تأکید کرده بود، تأیید کرد. آنها با استفاده از شاخص وسایل ارتباط جمعی دریافته اند که رابطه ای کاملاً قوی و منظم بین در معرض وسایل ارتباط جمعی بودن و مدرن گرایی فردی وجود دارد (اینکلس، ۱۹۷۶: ۱۶۵). آموزش رسمی نیز از دیگر مؤلفه های مورد تأکید بسیاری است. مک کله لند ۱۵ میل و نیاز به پیشرفت را یک ویروس ذهنی می داند که رشد و توسعه آن به رشد و توسعه اقتصادی هم در جوامع گذشته و هم در جوامع مدرن می انجامد. مک کله لند در خصوص شرایط اجتماعی مؤثر در نیاز به موفقیت به عواملی چون آموزش در خانواده، طبقه اجتماعی والدین، تحریک اجتماعی و ایدئولوژی اشاره می کند. وی برای تقویت این ویروس ذهنی به ضرورت آموزش عالی زنان در کنار آموزش مردان اشاره دارد (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۱۲). مشارکت اجتماعی نیز از گزینه های مورد تأکید است که بیش از همه لرنر به عنوان یکی از سه ویژگی اساسی (همدلی، تحریک و مشارکت بالا) (که هسته مرکزی شخصیت نوسازی شده را تشکیل می دهد، مورد توجه قرار داده است. به نظر وی بسط و گسترش رسانه های گروهی، سوادآموزی و ارتقای سطح تحصیلات، شهرنشینی و مشارکت مهم ترین عناصر و متغیرهایی است که در ظهور تحریک ذهنی و آمادگی انسان ها برای نو شدن مطرح است (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۰۸).

سنجش میزان نوگرایی افراد از دیگر فعالیت های اندیشمندان مکتب نوسازی است. در این راستا اینکلس و اسمیت مقیاس سنجش نوگرایی را تهیه کردند. شارما نیز با توجه به پژوهش های انجام شده تا آن زمان مقیاسی جهت سنجش میزان نوگرایی افراد تهیه کرد. مقیاس شارما، مجموعه ای از شاخص های مورد تأکید اینکلس، لرنر، هیگن، مک کله لند و دیگر اهالی مکتب نوسازی توسعه است. در مفهوم توسعه، شارما به رشد در ابعاد فیزیکی، روانی، اجتماعی و فرهنگی توجه می کند. رشد در بعد فیزیکی زندگی به افزایش امید به زندگی و بهداشت مناسب و افزایش سلامت نوزادان و نرخ مرگ و میر عمومی دلالت دارد. رشد در مشخصات روانی، ایده رضایت از زندگی - سلامت ذهنی - را شامل می شود که تعادلی بین اهداف زندگی مادی و غیرمادی و بین ارزش های ابزاری و سنتی جامعه برقرار می کند. بنابراین ویژگی روانی زندگی در ارتباط با ویژگی اجتماعی زندگی می باشد (شارما، ۱۹۸۶: ۱۵). شارما جامعه ای مدرن را جامعه ای عقلانی می داند که عقلانیت در تمام سطوح گوناگون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وارد شده است. شارما عقلانیت را در سه مفهوم اولیه، علمی و کاربردی می داند. عقلانیت در مفهوم اولیه به استفاده از دلیل به عنوان عاملی مسلط در عمل فردی اشاره دارد. عقلانیت علمی به تعهد به قانون و عقلانیت در مفهوم کاربردی آن، به کارگیری وسایل مناسب برای

دستیابی به اهداف تجربی معین از دیدگاه فاعل و ناظر کنش اطلاق می‌شود (مهدي زاده، ۱۳۸۰: ۹۶-۹۷).

برآیند نظریه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد برخی شرایط و عوامل مانند رشد شهرنشینی، صنعتی شدن، رشد میزان باسوادی، آموزش، آموزش عالی و سطح تحصیلات، پایگاه اجتماعی، چگونگی جامعه‌پذیری، بوروکراتیزه شدن، ارتباطات (اعم از حمل و نقل، پست و... ارتباطات رسانه‌ای کتاب، رادیو، تلویزیون و...)، ایدئولوژی و... می‌تواند مستقیم و یا غیرمستقیم پیش‌برنده یک جامعه به سوی نوسازی باشند. افراد نوگرا نیز دارای ویژگی‌هایی مانند علم‌گرایی، پذیرش تجربیات جدید، پیشرفت‌گرایی، نگرش‌های مدنی، جهانی، دموکراتیک، تساوی‌طلبی، استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری و... هستند.

هدف این پژوهش سنجش میزان نوگرایی و بررسی عوامل مؤثر بر آن در میان زنان فعال در حوزه فرهنگی شهر تهران است. میزان نوگرایی را از بین شاخص‌های ارائه‌شده بر اساس شاخص‌های علم‌گرایی، تساوی‌طلبی، نگرش جهانی، پیشرفت‌گرایی (برنامه‌ریزی)، استقلال‌طلبی، نگرش مدنی، نگرش دموکراتیک، ریسک‌پذیری، پذیرش تجارب جدید می‌سنجیم.

1. علم‌گرایی (Scientific Orientation): تمایل به فهم دنیا بر پایه نقش مدارک علمی و تحقیقی به جای خرد دوران گذشته.

2. تساوی‌طلبی (Egalitarian Orientation): التزام عقلانی است به اصل تساوی حقوق و پایگاه انسانی، بدون قائل شدن هر نوع تبعیض بر پایه جنبه‌های منسوب به جنس، قوم و...

3. نگرش جهانی (Universalistic Orientation): نگرشی است به سوی ترجیح هنجارهای غیر شخصی در اجرای نقش‌های عام فراتر از وفاداری‌های ویژه به خویشاوندان، دوستان و...

4. پیشرفت‌گرایی (Achievement Orientation): نگرش مثبت به غلبه بر تقدیرگرایی است. تمایل به موفق شدن و باور به مفید بودن برنامه‌ریزی.

5. استقلال‌طلبی (Indipendence Orientation): نگرشی به سوی آزادی از اجبارهای ساختار اقتدار سنتی است که نتیجه آن عدم هم‌نوایی با چنین هنجارهایی است.

6. نگرش مدنی (Civic Orientation): تمایل به کسب اخبار ملی و بین‌المللی است و آگاهی از مسائلی که ملت و اجتماع بین‌المللی با آن مواجه است و کوشش برای شکل دادن و تمرکز افکار روی موضوعات مختلف.

7. نگرش دموکراتیک (Democratic Orientation): نگرش مثبت به حفظ و رعایت حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی برای همه افراد و گروه‌های جامعه و وجود فرصت‌های مساوی برای همه در مشارکت آزادانه در ارزش‌های آن‌جامعه. (مهديزاده، ۱۳۸۰: ۹۵-۹۶)

8. ریسک‌پذیری (فرهنگ خطر کردن): ((Risk culture یکی از وجوه اساسی فرهنگ تجدد که به موجب آن آگاهی از خطرهای احتمالی به صورت ابزاری برای تسخیر و آبادانی آینده در می‌آید.

9. پذیرش تجارب جدید: به منظور پذیرش و امتحان تجارب جدید در برابر تجارب گذشته. (گیدنز، ۱۳۷۸: 325)

عوامل مؤثر بر میزان نوگرایی بر اساس آنچه از نظریات و ادبیات موجود به دست آمد در قالب فرضیه‌هایی بررسی می‌شود. نوگرایی متغیر وابسته و متغیرهای پایگاه اجتماعی، منشاء شهری یا روستایی داشتن، طول تحصیل، طول تدریس (اشتغال)، میزان استفاده از وسائل ارتباط

جمعی و مشارکت اجتماعی به عنوان متغیر های مستقل می‌باشند .

1. منشأ شهری یا روستایی داشتن با میزان نوگرایی فرد رابطه دارد . با توجه به دسترسی و برخورداری بیشتر از امکانات اجتماعی در شهرها و ارتباط یافتن فرد با امکاناتی نظیر تحصیلات، وسایل ارتباط جمعی و کار های کارخانه‌ای انتظار می رود افرادی که دارای منشأ شهری هستند از میزان بالاتری از نوگرایی برخوردار باشند.
2. پایگاه اجتماعی-اقتصادی با میزان نوگرایی فرد رابطه دارد . پایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد نیز از متغیر های تعیین کننده در میزان دسترسی فرد به امکانات مادی و فرهنگی می باشد. بنابراین با دسترسی بیشتری این امکانات که حاصل بالا رفتن طبقه اجتماعی فرد می باشد، انتظار می رود میزان نوگرایی فرد در سطح بالاتری قرار گیرد.
3. میزان تحصیلات با میزان نوگرایی فرد رابطه دارد . افزایش تحصیلات فرد را در ارتباط با جهان جدید، کشفیات، اختراعات، نوآوری ها، اخبار و اطلاعات و نگرش های جدید قرار می‌دهد .
4. طول مدت اشتغال (تدریس) با میزان نوگرایی فرد رابطه دارد. با بالا رفتن سال‌های اشتغال فرد، ارتباط فرد با محیط خارج از خانه افزایش می‌یابد و بیشتر در معرض تغییرات اجتماعی قرار می‌گیرد.
5. میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با میزان نوگرایی فرد رابطه دارد. وسایل ارتباط جمعی با تاثیر گذاری بالا، بخش وسیعی از زمان و فضای ذهن افراد را در اختیار خود می گیرد .
6. مشارکت اجتماعی با میزان نوگرایی فرد رابطه دارد. هرچند که مشارکت اجتماعی خود به نوعی محصول جامعه مدرن می باشد اما با افزایش مشارکت اجتماعی فرد بیشتر در معرض برخورد با نهاد های اجتماعی، گروه ها و افراد قرار می گیرد و از امکان بالاتری برای تغییر و نو شدن برخوردار می گردد.

#### روش پژوهش

در این پژوهش از روش کتابخانه ای و پیمایشی استفاده شده است. بخش پیمایشی به سنجش میزان نوگرایی زنان دبیر شهر تهران از طریق نه شاخص ارائه شده انجام شده است. برای سنجش میزان نوگرایی دبیران با توجه به شاخص‌های استخراج شده از نظریات نوسازی مورد استفاده از طیف لیکرت استفاده شده است. بررسی عوامل مؤثر بر میزان نوگرایی توسط آزمون فرضیه‌های پژوهش انجام شده است .

#### جامعه آماری و جمعیت نمونه پژوهش

جامعه آماری این پژوهش زنان دبیر دبیرستان‌های شهر تهران می باشند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با توجه به تعداد کل زنان دبیر تهران ۲۶۰ نفر تعیین شد. دبیران از بین نواحی آموزش و پرورش، نواحی ۲ و ۷ و ۱۶ به تصادف انتخاب شدند. جمعیت نمونه محاسبه شده (۲۶۰ نفر) به نسبت تعداد دبیران نواحی منتخب سهمیه بندی شده است .

#### یافته های پژوهش

#### معرفی جامعه مورد بررسی

میانگین سنی دبیران در کل نواحی ۲۸ سال و به تفکیک نواحی ۲ و ۷ و ۱۶ به ترتیب ۴۰/۷۸ و

۳۸/۵۶ و ۳۵/۰۸ سال مي باشد 4/75. درصد دبيران متأهل هستند و ۲۰/۸ درصد آنها مجرد و بقيه در شرايط همسر فوت شده، مطلقه، و زندگي جدا از هم هستند. از لحاظ منشا شهري يا روستايي داشتن ۹۶/۹ درصد دبيران متولد شهر هستند و ۹۶/۲ دبيران تا ۱۵ سالگي خود را در شهر گذرانده اند. تنها 11/3 درصد در روستا به دنيا آمده اند و ۳/۸ درصد نيز ۱۵ سال نخست زندگي خود را در روستا گذرانده اند.

آماره هاي شاخص نوگرایی

تعداد گويه	34	ميانگين نظري	102
كمترين امتياز نظري	34	ميانگين تجربى	76/122
كمترين امتياز تجربى	80	ميانه	124
بيشترين امتياز نظري	170	نما	124
بيشترين امتياز تجربى	157	انحراف معيار	19/13

توزيع درصدي پاسخگويان بر حسب شاخصهاي نوگرایی به تفكيك نوع جهتگيري

نوع جهت گيري	بسيار پايين	پايين	متوسط	بالا	بسيار بالا	فاصله گويه	ميانگين	ميانه
پيشرفت گرایی	-	5	2/44	5/43	3/7	5-25	76/15	16
علم گرایی	-	1/3	2/26	4/45	4/25	6-30	30/21	22
استقلال طلبانه	-	2/9	25	8/45	20	4-20	47/13	13
تساوي طلبانه	-	-	20	3/57	7/22	5-25	70/18	18
دموکراتيك	-	1/3	5/11	6/24	8/60	2-10	45/8	9



14	68/12	3-15	6/59	8/25	3/12	9/1	4/0	جهاني
15	03/15	4-20	5/36	6/39	20	1/3	8/0	مدني
13	78/12	3-15	65	2/31	5/3	4/0	-	پذيرش تجارب جديد
5	19/5	2-10	2/6	8/13	8/40	3/32	9/6	ريسك پذيري
124	7/122	34- 170	6/4	7/67	5/26	2/1	-	شاخص نوگرايي

میانگین سابقه تدریس جمعیت نمونه مورد بررسی ۱۴ سال و به تفکیک نواحی ۱۶ و ۷ و ۲ به ترتیب ۱۶/۷ و ۱۵/۰۹ و ۱۰/۸ می باشد. ۷۵/۸ درصد زنان دبیر دارای مدرک کارشناسی و ۸/۵ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و مابقی دیپلمه یا دارای مدرک کاردانی هستند. ۴۹/۶ درصد جمعیت تحصیلات علوم انسانی، ۴۰/۸ درصد نیز تحصیلات علوم پایه (شامل شیمی، ریاضی، فیزیک، زیست شناسی) و مابقی (حدود ۱۰ درصد) در سایر رشته ها تحصیل کرده اند.

#### میزان نوگرایی زنان دبیر شهر تهران

شاخص نوگرایی در این پژوهش از ترکیب نه زیر شاخص علم گرایی، تساوی طلبی، نگرش جهانی، پیشرفت گرایی، استقلال طلبی، نگرش مدنی، نگرش دموکراتیک، ریسک پذیری و پذیرش تجرب جدید به دست آمده است. هر کدام از زیرشاخص های مذکور از گویه هایی تشکیل شده است که جمع امتیاز گویه های هر زیرشاخص میزان نوگرایی را مشخص می کند.

#### توزیع زنان دبیر بر حسب شاخص نوگرایی

نوگرایی	فراوانی	درصد فراوانی
نوگرایی خیلی کم	0	0
نوگرایی کم	3	2/1
نوگرایی متوسط	69	5/26
نوگرایی زیاد	179	7/67
نوگرایی خیلی زیاد	12	6/4
جمع	260	100

شاخص علم گرایی به وسیله ۶ گویه که اکثرا میزان پایبندی افراد به خرافات را نشان می‌دهد، اندازه گیری شده است، مثل "آسیب رساندن به گربه سیاه شوم است" یا "به هم زدن قیچی باعث دعوا می‌شود". شاخص تساوی طلبی از پنج گویه تشکیل شده است که در آن نگرش زنان به اقوام، طبقه اجتماعی در ازدواج و نوع تصمیم گیری زنان و مردان در خانواده و ملاک قرار دادن توانایی و شایستگی افراد در کارها مورد پرسش قرار گرفته است. نگرش جهانی با سه گویه در مورد میزان تعصب فرد به همشهریان یا آشنایان اندازه گیری شده است. پیشرفت گرایی دارای ۵ گویه است که عقیده به شانس و قسمت، نظم و برنامه ریزی، توجه به امروز بدون فکر به فردا، و همچنین زندگی ماشینی را شامل می‌شود. شاخص استقلال طلبی از طریق ۴ گویه انجام دستورات بزرگترها مانند پدر و مادر، همسر و مربیان اندازه گیری شده است. نگرش مدنی از طریق سنجش توجه فرد به اخبار ملی و بین المللی و میزان اهمیت فرد به فعالیتهای سیاسی سنجیده شده است. نگرش دموکراتیک شامل دو گویه توجه به تخصص گرایی و عدم تعصب قومی مذهبی بوده است. میزان ریسک پذیری زنان را از طریق دو گویه تمایل به انجام کارهای خطرناک نظیر سرمایه گذاری نامطمئن و انجام ورزشهای خطرناک اندازه گیری شده است. پذیرش تجارب جدید با استقبال از شیوه زندگی جدید، روش های جدید تدریس با ۳ گویه سنجیده شده است .

شاخص نوگرایی از مجموع زیر شاخص های مذکور که جمعا دارای ۳۴ گویه بود با کمترین و بیشترین امتیاز نظری (۱۷۰-۳۴) به دست آمد. کمترین و بیشترین امتیاز تجربی این دو آماره (۱۵۷-۸۰) به دست آمده است. میانگین نظری پژوهش ۱۰۲ می باشد اما میانگین تجربی تحقیق به ۱۲۲/۷۶ رسیده است که میانگین بالایی را در شاخص مورد بررسی نشان می‌دهد. میان و نما مشترکا در نقطه ۱۲۴ قرار گرفته اند. نزدیکی این سه آماره نشان از توزیع نزدیک به نرمال زنان دبیر دارد. آلفای کرونباخ مجموع شاخص به میزان ۰/۷۶ می باشد که نشان دهنده میزان همبستگی درونی بالای بین گویه ها است .

آ بررسی شاخص نوگرایی به تفکیک نوع جهت گیری ها نشان می‌دهد، در تمامی شاخص‌های مربوط به سنجش میزان نوگرایی تراکم زنان نمونه در میزان نوگرایی در حد متوسط و بالا و در مواقعی حتی بسیار بالا می باشد و تنها در شاخص ریسک پذیری ۶/۹ درصد زنان دارای ریسک پذیری بسیار پایین، ۳۲/۳ درصد ریسک پذیری پایین، ۴۰/۸ درصد در حد متوسط، ۱۳/۸ درصد ریسک پذیری بالا و ۶/۲ درصد نیز دارای ریسک پذیری در حد بسیار بالا می باشند. اما در شاخص‌های دیگر تراکم روی گزینه های بالای نوگرایی است. ۹۶/۲ درصد افراد آمادگی بالایی برای پذیرش تجارب جدید و ۶۵ درصد آنها آمادگی بسیار بالایی برای پذیرش هر آنچه نو و جدید است ، دارند. به لحاظ روحیه ۶۰/۸ درصد در حد بسیار بالا و ۲۴/۶ درصد در حد بالایی دموکرات هستند. در شاخص پیشرفت گرایی ۵۱ درصد جمعیت دارای حد بالایی از نظر این شاخص می باشند و ۴۲/۲ درصد نیز در حد متوسط به لحاظ این شاخص قرار دارند. حدود ۷۰ درصد جمعیت از علم گرایی بالایی برخوردارند و ۲۶/۲ درصد نیز از علم گرایی در حد متوسط برخوردار هستند. از نظر استقلال طلبی ۹/۲ درصد در حد پایینی قرار دارند و مابقی از نظر این شاخص در حد متوسط یا بالایی قرار دارند. ۹/۲ درصد مذکور نیز به دلیل موافقتشان با گویه ای که بر اطاعت پذیر کردن دانش آموزان از طریق آموزش های مدرسه تاکید داشت ، در حد پایینی از شاخص قرار گرفته اند. از نظر شاخص تساوی طلبی ۲۰ درصد در حد متوسط و ۸۰ درصد مابقی در حد بالا یا بسیار بالایی از نظر این شاخص قرار دارند. زنان دبیر در دو شاخص جهانی و مدنی نیز حد بالایی از نوگرایی قرار دارند .

نمرات کسب شده توسط زنان دبیر در هر يك از جهت گيري هاي مربوط به شاخص در جدول توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب شاخص‌های نوگرایی به تفکیک نوع جهت‌گیری به طور کامل ارائه شده است .

این پژوهش نشان می‌دهد ۶۷/۷ درصد زنان دبیر دارای نوگرایی در حد بالا می‌باشند و ۴/۶ درصد افراد دارای نوگرایی در حد بسیار بالا هستند. بنابراین نزدیک به سه چهارم زنان دبیر دارای نوگرایی بالا و بسیار بالا می‌باشند. ۲۶/۵ درصد از افراد دارای نوگرایی در حد متوسط، و تنها ۱/۲ درصد از پاسخگویان ما از نظراین شاخص دارای نوگرایی در حد پایین هستند و هیچ يك از پاسخگویان بر اساس این شاخص در حد نوگرایی بسیار پایین قرار نمی‌گیرد. بیشترین فراوانی به لحاظ شاخص در بین جمعیت نمونه متعلق به افرادی است که در حد بالایی از نوگرایی هستند .

### آزمون فرضیه ها

میزان تحصیلات زنان دبیر: از نکات مورد توافق در اکثر نظریه‌های مورد بحث رابطه میزان سواد و تحصیلات و آموزش با نوگرایی می‌باشد. این رابطه در بین زنان دبیر به وسیله آزمون آماری پیرسون محاسبه شده و با سطح معناداری (  $p < 0.001$  ) تایید شده است. میزان همبستگی که این دو متغیر نشان می‌دهند  $r = 0.2$  می‌باشد. به این معنی که با افزایش سال های تحصیل میزان نوگرایی در فرد بالا می‌رود. بر این اساس انتظار می‌رود دبیرانی که دارای سطح بالاتری از تحصیلات هستند از میزان بالاتری نوگرایی برخوردار باشند و به همین نسبت جامعه را بیشتر از نوگرایی موجود در تفکرات خود بهره مند سازند. چرا که دبیران و بخصوص دبیران خانم با بخش اعظم جامعه و سرنوشت سازان آینده در ارتباط هستند و بیشترین تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم را می‌توانند بر این قشر داشته باشند .

پایگاه اجتماعی اقتصادی زنان دبیر: این متغیر از طریق ارتباطی که با فراهم کردن تسهیلات و امکانات رفاهی دارد و نیز رابطه آن با سطح تحصیلات و چگونگی استفاده از مزایا و امکانات رفاهی می‌تواند با چگونگی نوگرایی افراد رابطه داشته باشد. از آنجایی که جامعه آماری مورد بررسی از میزان تحصیلات، میزان درآمد و منزلت شغلی تقریباً یکسان و یا نزدیک به هم برخوردارند، پایگاه اجتماعی اقتصادی زنان دبیر با محاسبه سطح تحصیلات فرد و پدر (در صورت مجرد) و همسر (در صورت تاهل)، منزلت شغلی پدر (در صورت مجرد) و همسر (در صورت تاهل) و امکانات مورد استفاده خانواده (به منظور بررسی پایگاه اقتصادی فرد) به دست آمده است. طبق ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده، پایگاه اجتماعی اقتصادی و میزان نوگرایی فرد با سطح معناداری (  $p < 0.001$  ) دارای رابطه معنی دار و مستقیم هستند. به این ترتیب با بالا رفتن پایگاه اجتماعی اقتصادی فرد امکان وجود گرایش‌های نوگرایانه در وی افزایش می‌یابد.

وسایل ارتباط جمعی: میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی رابطه معناداری با میزان نوگرایی جمعیت نمونه مورد بررسی ندارد. با این حال با این استدلال که وسایل ارتباطی گوناگون به لحاظ کیفیت و نوع ارائه برنامه های ملی یا بین المللی می‌توانند تاثیرات گوناگونی بر افراد گذارند، رابطه بین هر يك از این وسایل و میزان نوگرایی بررسی شده است. تنها استفاده از سینما و تئاتر با میزان نوگرایی افراد ارتباط معنادار نشان می‌دهد و هیچ يك از وسایل ارتباطی دیگر مانند رادیو و تلویزیون، ماهواره، کامپیوتر و اینترنت، کتاب و مجله و روزنامه به تنهایی رابطه ای با میزان نوگرایی پرسش شونده‌گان، ندارند. البته این فرض را نیز باید در نظر داشت که استفاده کنندگان از سینما و تئاتر احتمالاً می‌توانند برخوردار و در معرض مجموعه‌ای از وسایل ارتباطی باشند.

آزمون های آماری در این پژوهش رابطه معناداری بین طول مدت تدریس (اشتغال)، منشا شهری یا روستایی داشتن، میزان مشارکت اجتماعی و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با میزان نوگرایی نشان نداده است. ارتباط متغیر وابسته (نوگرایی) با متغیرهای طول مدت تدریس، میزان مشارکت اجتماعی، و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی توسط ضریب همبستگی پیرسون سنجیده شده است. ارتباط متغیر وابسته با متغیر منشا شهری یا روستایی داشتن به دلیل سطح اسمی متغیر مستقل توسط آزمون T-TEST بررسی شده است.

این پژوهش از نظر بررسی عوامل موثر بر میزان نوگرایی بر تاثیر دو عامل سطح تحصیلات و پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانوادگی افراد صحنه تجربی می گذارد و از بین وسایل ارتباط جمعی نیز تنها استفاده از سینما و تئاتر را با نوگرایی مرتبط می داند. لازم به ذکر است وسایل ارتباط جمعی از جمله شاخص هایی است که از نظر تاثیر بر میزان نوگرایی وجه اشتراک عموم اندیشمندان می باشد. بنابراین به دنبال عدم پاسخگویی این متغیر در زنان دبیر مورد بررسی بهتر است به ماهیت و محتوای برنامه و برنامه ریزی در این بخش توجه شود. دو شاخص تأیید شده میزان تحصیلات و پایگاه اجتماعی نیز از لحاظ پیش بینی و برنامه ریزی قابل تأمل هستند .

در نهایت برای به دست آوردن تأثیر همزمان متغیرها از مدل تحلیل رگرسیونی چند متغیره گام به گام استفاده شد. در مدل رگرسیونی متشکل از متغیرهای مستقل سن، طول سال های تحصیل، طول سال های تدریس، مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی و منشا شهری یا روستایی تنها متغیر طول مدت تحصیل توانسته است رابطه معناداری در مدل نشان دهد. مجموعه این متغیرها  $R = 0.26$  را نشان داده اند و طول مدت تحصیل دبیران  $0.67$  درصد از کل واریانس نوگرایی جمعیت نمونه و  $0.64$  درصد تغییرات کل میزان نوگرایی جامعه آماری را تبیین می کند. در مدل رگرسیونی دیگری متغیر های مشارکت اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی و پایگاه اجتماعی سنجیده شدند و  $R = 0.12$  را نشان دادند. تنها متغیری که توانسته وارد معادله رگرسیونی شود، پایگاه اجتماعی اقتصادی خانوادگی زنان دبیر می باشد. به این ترتیب پایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان تاثیر مستقیم اما ضعیفی بر میزان نوگرایی آنان می گذارد. این متغیر  $0.17$  درصد واریانس کل میزان نوگرایی زنان دبیر را تبیین می کند و  $0.12$  درصد کل تغییرات جامعه آماری مورد نظر را نشان می دهد .

## نتیجه گیری

دیر زمانی است که جامعه ما در معرض مدرنیته و نوسازی قرار گرفته است و در این فرایند شاهد رویارویی سنت و تجدد به اشکال مختلف هستیم. این رویارویی در جامعه ایران گاهی به غلبه تجدد بر سنت در قالب حاکمیت موجود (پهلوی اول و دوم) و گاهی غلبه سنت بر تجدد (پیروزی انقلاب اسلامی) بوده است. در کنار این حاکمیت ها در بخش هایی از جامعه سنت و تجدد در کنار هم، همزیستی مسالمت آمیزی را تجربه کرده اند. در دوره قاجار برآیند تغییر و تحولات با وجود حکومت دیدگاه های سنتی و استبدادی شرایطی است که مولود نگرش های نو می باشد. مؤلفه های مؤثر بر توسعه در دوره پهلوی اول از رشد قابل توجهی برخوردار است مانند رشد جمعیت، رشد شهرنشینی، رشد و گسترش وسایل ارتباطی نظیر جاده، راه آهن، پست، رسانه های ارتباطی، ایجاد سازمان های مختلف کشوری و اداری، ایجاد کارخانه ها و صنایع جدید و... زنان در این دوره امکان برخورداری از آموزش های عمومی و حتی دانشگاهی می یابند. در دوره پهلوی دوم کماتر رشد شاخص های توسعه ای را شاهدیم. زنان در عرصه های اجتماعی و اقتصادی فعالند. محققان بر این باورند که ایران در دهه ۱۹۷۰ میلادی تجربه یک نوسازی مشتمل بر صنایع بزرگ، رشد شهرنشینی، گسترش آموزش های رسمی و رشد وسایل ارتباط جمعی را پشت سر گذارده است. شاخص های توسعه ای در دوره جمهوری اسلامی نیز همچنان رو به افزایش است. اما این افزایش مقارن با پیامدهای انقلاب، جنگ، تحولات جهانی و منطقه ای، رشد جمعیت و... است. فرهنگ با تقابل ارزشی به وجود آمده به نفع سنت کنار آمده است. نقش های اجتماعی به ویژه نقش زنان تعریفی تازه به خود گرفته است و مشارکت اجتماعی در حوزه های

مختلف، تحت نفوذ شرایط اجتماعی، پیامدهای انقلاب، جنگ، تغییر ارزش ها و... فعال است. بر اثر تحولاتی از دهه دوم انقلاب، تعریف مجددی از نقش اجتماعی زنان و توانایی های آنان به عمل آمد. در این دوره شاهد افزایش مشارکت و حضور زنان در تمامی عرصه های اجتماعی هستیم. فزونی سهم زنان در حوزه هایی از بخش آموزش (آموزش متوسطه و آموزش عالی) قابل تأمل است.

شهرنشینی، صنعتی شدن، رشد میزان باسوادی، آموزش، آموزش عالی و سطح تحصیلات، چگونگی جامعه پذیری فرد، بوروکراتیزه شدن، ارتباطات (اعم از حمل و نقل، پست و... ارتباطات رسانه ای کتاب، رادیو، تلویزیون و...)، ایدئولوژی و... از شرایط و عواملی هستند که می توانند مستقیم و یا غیر مستقیم محرک پیشبرنده یک جامعه به سوی نو سازی باشند. همچنین افراد نوگرا در جامعه مدرن نیز دارای ویژگی های متناسب با شرایط زندگی در یک جامعه مدرن هستند. مانند: علم گرایی، پذیرش تجربیات جدید، پیشرفت گرایی (برنامه ریزی)، نگرش مدنی، نگرش جهانی، نگرش دموکراتیک، تساوی طلبی، استقلال طلبی، ریسک پذیری و....

متغیر اصلی (وابسته) پژوهش (میزان نوگرایی) را از بین شاخص های ارائه شده بر اساس شاخص های پیشرفت گرایی (برنامه ریزی)، علم گرایی، نگرش مدنی، نگرش جهانی، نگرش دموکراتیک، تساوی طلبی، استقلال طلبی، پذیرش تجارب جدید، ریسک پذیری، با آلفای کرومباخ  $0.76/7$  به دست آمده است. برای سنجش میزان نوگرایی از شاخص نوگرایی دارای  $0.34$  گویه با کمترین و بیشترین امتیاز نظری ( $0.17-0.34$ ) استفاده شده است. کمترین و بیشترین امتیاز تجربی این دو آماره ( $0.157-0.80$ ) به دست آمده است. میانگین نظری پژوهش  $0.102$  می باشد اما میانگین تجربی تحقیق به  $0.122/76$  رسیده است که میانگین بالایی را در شاخص مورد بررسی نشان میدهد.

بررسی شاخص نوگرایی به تفکیک نوع جهت گیری ها نشان می دهد، در تمامی شاخص های مربوط به سنجش میزان نوگرایی به استثنای شاخص ریسک پذیری تراکم زنان دبیر در میزان نوگرایی در حد متوسط و بالا و در موافعی حتی بسیار بالا می باشد. این پژوهش نشان می دهد  $0.67/7$  درصد زنان دبیر دارای نوگرایی در حد بالا می باشند و  $0.4/6$  درصد افراد دارای نوگرایی در حد بسیار بالا هستند. بنابراین نزدیک به سه چهارم زنان دبیر دارای نوگرایی بالا و بسیار بالا می باشند.  $0.26/5$  درصد از افراد دارای نوگرایی در حد متوسط، و تنها  $0.1/2$  درصد از پاسخگویان ما از نظراین شاخص دارای نوگرایی در حد پایین هستند و هیچ یک از پاسخگویان بر اساس این شاخص در حد نوگرایی بسیار پایین قرار نمی گیرد. بیشترین فراوانی به لحاظ شاخص در بین جمعیت نمونه متعلق به افرادی است که در حد بالایی از نوگرایی هستند. فرضیه های این پژوهش رابطه نوگرایی را به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای پایگاه اجتماعی، منشاء شهری یا روستایی داشتن، طول تحصیل، طول تدریس (اشتغال)، وسائل ارتباط جمعی، مشارکت اجتماعی، به عنوان متغیر های مستقل را در نظر دارد.

از بین فرضیه های داده شده، طول مدت تحصیل و پایگاه اجتماعی با میزان نوگرایی رابطه معنادار دارد. منشأ شهری داشتن و سکونت فرد در سالهای اولیه زندگی در شهر، طول مدت اشتغال، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مشارکت اجتماعی از شاخص هایی هستند که رابطه معناداری با میزان نوگرایی افراد مورد بررسی نشان نداده اند.

منابع

ازکیا، مصطفی (1377)، جامعه شناسی توسعه، مؤسسه نشر کلمه، تهران.

- افضلي، احمد (۱۳۷۶)، بررسی زمینه‌های تاریخی و ساختاری نوسازی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷ و ترکیه ۱۹۴۰-۱۹۶۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس .
- تورن، آلن (۱۳۸۲)، «ایران در جریان فرایند مدرنیزاسیون قرار دارد»، روزنامه همشهری، ویژه‌نامه نوروز .
- رازی، عبدا... (بی تا)، تاریخ کامل ایران، نشر اقبال، تهران .
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۷)، اقتصاد ایران، نشر نی، تهران .
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷)، توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، شرکت سهامی انتشار، تهران .
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۷)، «آفات متدلوژیک تفکر در ایران»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۴-۱۳۳ .
- سو، آوین ی. (۱۳۸۰)، تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران .
- صابر، فیروز (۱۳۷۴)، «بررسی نقش زنان در اهداف و سیاست‌های آموزشی برنامه‌های توسعه کشور»، مجموعه مقالات کنگره نقش زن در علم، صنعت و توسعه، دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری .
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۶)، بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، نشر قومس، تهران .
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز، تهران .
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، تهران .
- فراس‌تخواه، مقصود (۱۳۷۷)، سرآغاز نواندیشی معاصر دینی و غیردینی، شرکت سهامی انتشار، تهران .
- فراس‌تخواه، مقصود (۱۳۷۹)، تحولات نهادی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و تأثیر آن بر تقلطای آموزش عالی (بخش دوم)، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران .
- مهدیزاده، شراره (۱۳۸۰)، تلویزیون و نوگرایی، رساله دکتری در رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران .
- وزارت آموزش و پرورش، معاونت برنامه‌ریزی و منابع انسانی (بهمن ۱۳۸۰)، خلاصه‌ای از آمار آموزشگاه‌ها، کلاس‌ها، دانش‌آموزان و کارکنان در دوره‌های مختلف تحصیلی سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰، دفتر فناوری اطلاعات .
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۱)، آمار معلمان مدارس در سطح کشور، مقاطع متوسطه عمومی، هنرستان حرفه‌ای و هنرستان فنی، گزارش ۸۱۱۸۰، تهران .
- هریسون، دیوید (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی نوسازی و توسعه، ترجمه علیرضا کلدی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران .
- GrauntLett, David (2001), About Anthony Giddens: Structuration Theory. <http://www.theory.org.uk/giddens2. Htm>.
- GrauntLett, David (2001), About Anthony Giddens: Structuration Theory. <http://www.theory.org.uk/giddens3. Htm>.
- Inkeles, Alex (1976), Become Modern. Individual Chang in Six Developing Contries, Massachusette: Harvard University Press Cambridge.
- Sharma, S.L. (1986), Development Socio-cultural Dimensions, Rawat Publications.